



<b>طلوع</b> روزنامه فرهنگی/سیاسی/اجتماعی/ورزشی		
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد مهدی جعفری زاده	شماره استاندارد بین المللی روزنامه طلوع (شاپا): ۸۰۰۲-۵۸۷۳ ISSN: 5873 - 8002	
عضو شرکت تعاونی مطبوعات کشور	تلفن: ۰۷۱-۳۲۳۴۴۷۷۲	فکس: ۳۲۳۴۴۷۷۱
چاپخانه: آنبیل رسانه برتر	شیراز: خیابان انقلاب (نادر) / نبش پارک انقلاب / مجتمع رز / طبقه اول	
کازرون: خ قدمگاه / پایین تر از تقاطع امیرکبیر ۰۷۱-۴۲۲۹۲۴۶	حساب جاری سپهر ۰۱۰۴۵۵۸۳۷۰۰۱ بانک صادرات به نام روزنامه طلوع	
آدرس سایت: www.tolounews.com	پست الکترونیک: toloudaily@gmail.com	مرامنامه اخلاقی: tolounews.com/Regulations.aspx
آدرس کانال تلگرام رسمی روزنامه طلوع: http://telegram.me/tolounews یا جستجوی @tolounews		

پنجشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۹۶ شماره ۲۱۸۸ قیمت در کازرون ۴۰۰ تومان



**فروردین**  
امروز ممکن است عشق در زندگی شما تولدی دوباره پیدا کند. اگر نیمه‌ی دیگران را پیش‌ازاین پیدا کرده‌اید این اتفاق به شکل احساس نزدیکی و صمیمیت بیشتر بین شما و طرف مقابلتان خواهد بود، اگر هم هنوز مجرد و تنها هستید به‌احتمال‌زیاد تا پایان روز تغییراتی در وضعیت زندگی عاطفی خود مشاهده خواهید کرد!

**اردیبهشت**  
امروز شما به‌یک‌باره تغییراتی را در خود مشاهده می‌کنید. شاید وقتی در آینه به خودتان نگاه می‌کنید در کمال تعجب احساس کنید که انگار در مقابل یک سوپراستار قرار گرفته‌اید و احساس اعتمادبه‌نفس‌تان چند برابر شود.

**خرداد**  
امروز درگیری با یک نفر در محل کار و یا محل زندگی‌تان ذهن شما را حسابی به هم خواهد ریخت و شاید باعث شود تا مدتی طولانی نتوانید روی انجام هیچ کاری تمرکز کنید؛ پس تا جای ممکن از قرار گرفتن در چنین موقعیت‌هایی خودداری کنید.

**تیر**  
امروز کارهای جدی و مهمی از قبیل انجام تحقیقات علمی یا حرفه‌ای در انتظار شما هستند و انجام این کارها وقت زیادی از شما خواهد گرفت.

**مرداد**  
امروز شما عشق و احساس بسیار شدیدی را نسبت به شریک زندگی خود و یا شخصی که دوستش دارید اما هنوز جسارت کافی برای بیان احساسات خود نسبت به او نداشته‌اید، در وجود خود احساس خواهید کرد.

**شهریور**  
آنچه حس شماست امروز به شما می‌گوید همچون اطلاعات دقیقی خواهد بود که از عالم غیب به شما وحی شده‌اند! شما قادر خواهید بود با تکیه به این احساس درونی خود موفقیت‌های قابل توجهی کسب کرده و حتی میزان درآمد خود را افزایش دهید.

**مهر**  
امروز شاید بخواهید در یک فعالیت گروهی یا اجتماعی شرکت کنید. در این جمع شما با یکی از دوستان یا آشنایان قدیمی خود دیدار خواهید داشت که به نظر می‌رسد کاملاً عوض شده باشد، البته خوشبختانه این تغییرات در جهت مثبت هستند و باعث شده‌اند که شما ناگهان به‌شدت مجذوب این شخص شوید.

**آبان**  
شروع یک پروژه جدید در محل کارتان که با فناوری مدرن در ارتباط است می‌تواند زندگی حرفه‌ای شما را در مسیری کاملاً متفاوت قرار دهد.

**آذر**  
اگر قرار است به این زودی‌ها به سفر بروید، به‌احتمال‌زیاد در این سفر با شخص جدیدی آشنا خواهید شد که شما را به‌شدت به خود جذب می‌کند. آشنایی با این شخص باعث خواهد شد که از سفر خود بیشتر لذت ببرید، اما رابطه‌تان با این شخص به‌احتمال‌زیاد با پایان یافتن این سفر به آخر خواهد رسید.

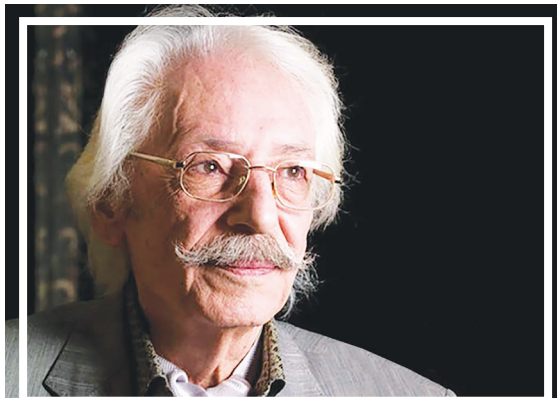
**دی**  
امروز ممکن است خبرهایی در رابطه با پولی که به‌صورت کاملاً غیرمنتظره به دستتان خواهد رسید بشنویید. شاید این پول را خودتان به دست آورده باشید، یا آن را از یک سرمایه‌گذاری در گذشته، یا حتی از طریق ارث به دست آورده باشید.

**بهمن**  
امروز به‌احتمال‌زیاد خیلی ناگهانی و بی آن‌که از قبل به چنین چیزی فکر کرده باشید، ایده‌ی شروع یک شراکت حرفه‌ای یا تجاری به سرتان خواهد زد.

**اسفند**  
آیا مدتی است که به فکر تغییر شغل خود بوده‌اید؟ اگر جوابتان مثبت است امروز می‌تواند روز خوبی برای جست‌وجو به دنبال شغل موردنظرتان باشد.

گفت‌وگو با جمشید مشایخی، به بهانه نقش آفرینی به‌یادماندنی در سریال «هزاردستان»:

## نمی‌شود با ادا در آوردن جای دیگری را گرفت



کنید بنده بخواهم ادای بزرگ‌ترین بازیگر جهان یعنی مارلون براندو را دریاورم، نتیجه مسخره می‌شود. من جمشید مشایخی هستم و باید کار خودم را انجام دهم. باید آن چیزی که در وسع جسم و شعور من است را بازی کنم و ادا دریاورم. نمی‌شود با ادا در آوردن جای دیگری را گرفت. مجال است.

**ساخت چنین سریال بی‌سابقه‌ای در سال‌های جنگ قطعاً با موانعی روبه‌رو بوده است. از این دشواری‌ها بگویید.**

مدام مسئولین عوض می‌شدند. علی خیلی دوندگی کرد. هم غصه خورد و هم شاد شد. هزاردستان بی‌خودی هزاردستان نشد بلکه با زحمت و مشقت علی حاتمی چنین شد. یکی از دشواری‌ها، ساخت محله‌های قدیمی مثل لاله‌زار و میدان توپخانه بود. علی ساخت شهرک سینمایی را با عشق و علاقه پیگیری می‌کرد. کسی که به علی کمک می‌کرد، هنرمند بزرگی بود که زمانی در تئاترهای لاله‌زار دکور می‌ساخت. آنها با کمک هنرمندان دیگری که کار طراحی و ساخت دکور را انجام می‌دادند این شهرک را به سرانجام رساندند. نباید تک تک این عزیزان زحمتکش را فراموش کنیم.

این مجموعه ترکیب فوق‌العاده‌ای از بازیگران را گرد هم آورد که بعد از آن تکرار نشد. در صدرش شما، علی نصیریان، محمدعلی کشاورز، داوود رشیدی و عزت‌الله انتظامی کم نظیر بود. از کار کردن با تک تک دوستان لذت می‌بردم. با آقای کشاورز از تئاتر دوست بودیم و همکاری خوبی داشتیم، همچنین با آقای داوود رشیدی خیلی سکانس‌های مشترک داشتیم.

**عاشقی محنت بسیار کشید**

یک روز مرحوم علی حاتمی را بسیار غمگین دیدم. علت را پرسیدم، گفت حالا که تئاترهای لاله‌زار بسته شده است، بازیگران این نمایش‌ها چه می‌کنند؟ منبع درآمدشان از کجاست؟ نگران آنها هستم. هر کدامشان ۵ - ۶ عائله نان‌خور دارند. سرفه‌ای که در هزاردستان پهن شده، برای اینهاست، جوابش دادم که ناراحت نباش، می‌کردم آنها را پیدا می‌کنم. از فردا شروع کردم به پیدا کردن این هنرمندان. یک روز یکی از بازیگران را در بهشت زهرا دیدم که بر سر قبری نشسته و قرآن می‌خواند. اول فکر کردم مزار یکی از اقوامش است، اما بعد دیدم یکی آمد و یک ده تومانی کف دستش گذاشت. او هم بلند شد و سر مزار دیگری رفت و دوباره به قرآن خواندن مشغول شد. فهمیدم از سر ناچاری به این کار رو آورده است. همه اینها را پیدا و به مرحوم حاتمی معرفی کردم و آن خدای‌امرز هم در هزاردستان نقش‌هایی بهشان داد.

نقش خودم هم قرار بود در هزاردستان خیلی پررنگ‌تر باشد. ابتدا قرار بود نقش سربازی را که بعداً اصغر همت بازی کرد، من بازی کنم اما به دلیل سفرم به بو شهر منتفی شد. مرحوم علی حاتمی یک انسان به تمام معنا بود. در حیاط منزل‌شان کنار باغچه روی یک تخت می‌نشست و مطالعه می‌کرد و می‌نوشت. یک رادیو هم کنار دستش بود. عاشق ترانه‌ای بود که با این مطلع آغاز می‌شد:

**عاشقی محنت بسیار کشید/ تا دم دجله به معشوقه رسید**

شاید تاریخی که شما می‌فرمایید درست‌تر باشد. به هر حال این فاصله‌هایی که بین ضبط کار ایجاد می‌شد در عین دشوارتر کردن کار، باعث شده بود که بچه‌ها شخصیت‌هایشان را از حفظ باشند.

**شما چندین همکاری با مرحوم حاتمی داشتید و در عین حال رفیق هم بودید. حال و هوای کار کردن با ایشان چگونه بود؟**

بسیار عالی بود. علی دیالوگ‌های بی‌نظیری می‌نوشت. چند سال قبل از این که ایشان از دنیا بروند من با مجله فیلم مصاحبه کردم و ایشان را سعدی سینمای ایران نامیدم. یادم می‌آید آن زمان عده‌ای از حرف من خوششان نیامد، اما همان‌ها بعد از فوت علی، حرف مرا تکرار کردند. علی قبل از این که فیلم بسازد، با من و مرحوم حسین کسبیان در مورد فیلمی که می‌خواست بسازد صحبت کرد. قرار بود نقش‌های اصلی‌اش را ما بازی کنیم که البته آن فیلم ساخته نشد.

آن موقع با آقای مهاد فخمی که فیلمبردار بود همکاری داشتند منتها کارهای تبلیغاتی می‌کردند. بعد از آن فیلم «حسن کچل» را ساخت و برای فیلم «طوقی» از من دعوت کرد که من با تهیه‌کننده آن به توافق نرسیدم. علی از من دلخور شد و فکر کرد کارش را قبول ندارم. اگر اشتباه نکنم این ماجرا تا سال ۱۳۵۲ طول کشید. تا این که ایشان خواست شش داستان از حضرت مولانا را کار کند و من در شش داستان بازی داشتم و مهم‌ترینش برای من همان قصه چنگیز بود. بعد از این سریال «سلطان صاحبقران» را ساخت که من در آن نقش ناصرالدین شاه را بازی می‌کردم. بعد هم در سوته دلان، هزاردستان و کمال‌الملک با علی همکاری داشتم.

**جایگاه این نقش را در کارنامه کارتان چگونه می‌بینید؟**

نمی‌توانم این گونه نگاه کنم. مثل این می‌ماند که به یک موزیسین بگویید کاری که در مایه اصفهان انجام داده‌ای، قشنگ‌تر است یا همایون؟ نمی‌خواهم بگویم همه سریال‌هایی را که کار کرده‌ام دوست داشتم و برایشان ارزش قائلم ولی بخشی از کارهایی را که کرده‌ام، قلباً دوست دارم.

مثلاً هزاردستان، کمال‌الملک، یک بوس کوچولو، شازده احتجاب و پهلوانان نمی‌میرند را دوست داشتم، همچنین «فرین» را که با ناصر تقوایی کار کردم. اما نمی‌توانم میانشان تمایز قائل شوم، چون در هر کدام شخصیت‌های متفاوتی داشتم.

**شاید تمایز این نقش این باشد که حدود هشت سال با آن زندگی کردید. می‌شود گفت از این حیث تجربه متفاوتی برای شما بوده است.**

بله، اما همان‌گونه که گفتیم در عین حال کمال‌الملک را بازی کردم که عاشق شخصیت او هستم. خیلی برایم جالب بود چون این شخصیت هیچ ارتباطی با شخصیت رضا نداشت.

**چقدر از دوبله نقشتان راضی بودید؟**

علی دوست داشت کارهایش را دوبله کند. دوبرابر من هم آقای منوچهر اسماعیلی بود که یکی از بهترین‌هاست و برایش احترام ویژه‌ای قائلم. کارش بسیار زیبا بود.

**اما بسیاری از بازیگران به دوبله شدن صدایشان تمایلی ندارند. ما هنرمند تئاتر بودیم و می‌توانستیم جای خودمان صحبت کنیم اما دلیل نمی‌شود که من کار خوب آقای اسماعیلی را نادیده بگیرم و خودم را لوس کنم و بگویم می‌خواهم جای خودم حرف بزنم. با گذشت سال‌ها هنوز در مورد این سریال صحبت می‌شود و در بازپخش‌ها بیننده دارد.**

**راز این ماندگاری چیست؟**

این مربوط می‌شود به قلم، دانش و پشتکار علی حاتمی. من به عنوان کسی که سال‌ها با علی کار کردم، معتقدم او نابغه بود. از دیالوگ‌ها بسادگی نمی‌گذشت. هیچ وقت از یک صحنه الکی رد نمی‌شد. آنقدر می‌گرفت تا مورد قبولش واقع شود. پشت هزاردستان، جدیت و علاقه علی نهفته بود و همین راز موفقیت آن است.

**به دیالوگ‌ها اشاره کردید. بعد از علی حاتمی خیلی‌ها خواستند سبک دیالوگ‌نویسی او را تکرار کنند اما به ندرت موفق شدند. دیالوگ‌ها یا از نظر شاعرانگی کم داشت یا در بافت قصه نمی‌نشست.**

آیا باید خودش باشد. فایده‌ای ندارد ادای دیگری را دریاوری. فکر



نگاهی به تیتراژ «هزاردستان» بینداز، از معدود بازمانده‌گان این مجموعه و البته به سبب ابعاد نقش مهم‌ترین آنهاست. مردی که از شکار آهو به شکار انسان روی می‌آورد، اما در ادامه قلم را جایگزین تفنگ می‌کند و از رضا تفنگچی می‌شود، رضا خوشنویس، دستی که پیش از این ماشه می‌چکاند این‌بار قلم را بر کاغذ می‌رقصاند. لکن سیر تحولات و طی طریق تسلسل‌وارش، او را در نهایت به خویشتن خویش بازمی‌گرداند.

به گزارش «تابناک یزد»، همین فراز و فرودهاست که طراحی این شخصیت پیچیده را از هر حیث متمایز می‌نماید و بازی در آن را دشوار و در عین حال فرصتی ناب برای دیده شدن. جمشید مشایخی همانی است که به نوشته سعدی سینمای ایران، علی حاتمی جان داد و رضا تفنگچی را ماندگار کرد. با او از رفاقت و خاطره‌هایش با علی حاتمی و ساخت هزاردستان گفتیم؛ خاطره‌بازی‌ای که به سبب حوصله و صبر این بازیگر کهنه‌کار مفصل شد.

**برای آغاز از آشنایی خودتان با مرحوم علی حاتمی بگویید. آشنایی که منجر به همکاری‌های متعدد و موفق شد.**

علی حاتمی بیس می‌نوشت و به اداره هنرهای دراماتیک می‌آورد تا اگر کارگردانی مایل است با او همکاری کند. از همان موقع، یعنی اوایل دهه ۴۰ با او دوست شدم.

**پیشنهاد نقش رضا تفنگچی چگونه مطرح شد؟**

وقتی سال ۱۳۵۸ می‌خواست این سریال را شروع کند؛ من خدمتگزار بچه‌ها در اداره تئاتر بودم. از من دعوت و ابتدا در مورد بعضی نقش‌ها مشورت کرد. بعد گفت که می‌خواهد کار را با من کلید بزند.

**پس از همان آغاز در جریان ساخت این مجموعه و شاهد مراحل مختلف آن بودید.**

بله. با هم به خانه پیرنیا در خیابان لاله‌زار رفتیم. علی حاتمی آن خانه را برای زمانی انتخاب کرده بود که رضا از تهران می‌رود، ازدواج می‌کند و خوشنویس می‌شود. برای بازی در نقش دختری که قرار بود رضا خوشنویس یا او ازدواج کند خانم خورش انتخاب شد و ما با ایشان چند سکانس را در آن خانه گرفتیم. فخری خورش از بهترین بازیگران تئاتر و سینمای ایران هستند، اما از لحاظ سنی به آن نقش نمی‌خورد. به همین دلیل آقای حاتمی خانم شهبلا میربختیار را انتخاب کرد که سنش خیلی کمتر بود و دوباره سکانس‌هایی که گرفته بودیم با ایشان تکرار شد.

فکر می‌کنم حدود چهار ماه در خانه پیرنیا بودیم. سه ماه هم طول کشید که قسمت‌های مربوط به زندان را بالای محله اقدسیه بگیریم که من و مرحوم داوود رشیدی در آن صحنه‌ها با هم بازی داشتیم. آن زمان مدام مسئولان تلویزیون عوض می‌شدند و همچنین طول می‌کشید تا بازیگران تازه به مجموعه اضافه شوند؛ پس فیلمبرداری کار متوقف شد و فکر می‌کنم در این حین آقای حاتمی فیلمبرداری کمال‌الملک را شروع کرد.

**یعنی با توقف این کار، شما در «کمال‌الملک» بازی کردید؟**

بله. چون تا می‌آمدند بازیگران جدید متن را بخوانند و مسئولان اجازه کار بدهند زمان می‌برد. فکر می‌کنم از سال ۵۸ تا ۶۴ فیلمبرداری «هزاردستان» طول کشید.

**تاریخی که در بیشتر جاها ثبت شده است ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۶ است.**

## طبیعت کامفیروز فارس در اسفندماه



عکاس: زهرا سپهر تاج

از نگاه دوربین

## غول آرام در سواحل استرالیا



گوسه‌هنگ، بزرگ‌ترین غیر پستاندار مهره‌دار جهان است و متوسط وزن بالغ آن به ۹ تن می‌رسد.